

قوانین نانوشته

نویسنده :

محمد رضا حسامی

فهرست مطالب

1.....	مقدمه
2.....	زر - زور - تزویر - پول - پارتی
2.....	نقش ریاضیات در قوانین نانوشته
3.....	هرچه برای من خوب است برای همه خوب است
3.....	پول باعث رفع کدورت و نجات سر
4.....	پول لقب می‌آورد
4.....	جوانان و قوانین نانوشته
5.....	افسانه‌ها
6.....	جامعه طبقاتی
6.....	ترس از آینده
7.....	زندانی ملاکهای جامعه
7.....	انسانهای مرئی و نامرئی
8.....	ضوابط در جامعه‌ای که مثلث بر همه چیز دست دارد
8.....	مثلث و دانش
8.....	یا با من یا علیه من
9.....	محضر مثلث زر - زور - تزویر
9.....	تشکیل مجامع دستوری مانند انجمن‌ها و موسسات غیرانتفاعی
9.....	متفاوت از دیگران
10.....	انقلابات و مثلث زر - زور - تزویر
10.....	دانشگاهها
10.....	ترور
10.....	گروههای شرور
11.....	گروههای رقیب
11.....	مثلث و سخنرانی‌ها
11.....	مثلث و روزنامه و رسانه‌های جمعی
12.....	مثلث و فسادهای مالی
12.....	تبعید
12.....	دولتهای ملی
12.....	مسدود کردن منابع درآمد مخالفین
13.....	جنگ دائمی انسان آزاد و شرافتمند با بردگی

13.....	انحصار و کنترل قیمت
13.....	مالیات
14.....	چماق پدرسالارانه
14.....	بستن مجامع مخالف
14.....	مثلث و گروههای سرکوب
15.....	دوالیا
15.....	مثلث در مخالفت با هویت مردم
15.....	مثلث و پول کثیف
16.....	مثلث و هزینه در سیاست
16.....	مثلث و قتل
16.....	مثلث و شرم
16.....	تبلیغ در خدمت مثلث
17.....	مثلث مسئول نیازهای کاذب
17.....	مثلث بی وطن
17.....	مثلث سرسپرده خارجی
17.....	مثلث و طبقات اجتماعی
18.....	مثلث چند ملیتی
18.....	مثلث عامل استعمار
18.....	مثلث و ادبیات و فرهنگ
18.....	مثلث و رسانه‌ها
19.....	مثلث و کارهای خیریه
19.....	مثلث و سانسور
19.....	افراد ظاهری
20.....	مثلث و اخبار
20.....	مثلث و سیل و زلزله و آتش فشان
20.....	مثلث و جنگ یا صلح
20.....	مثلث و عدالت اجتماعی
21.....	مثلث و خانواده
21.....	مثلث و رشوه
21.....	مثلث و دانشگاه
22.....	بیماری سری مثلث

22.....	مثلث و مردم
22.....	مثلث و اعتیاد
22.....	مثلث و طلاق
23.....	مثلث و عدالت
23.....	رانت خواری
23.....	درآمد سالانه مثلث
23.....	پول شویی
24.....	مثلث و جنگ
24.....	مثلث و انسانیت
24.....	مثلث و آل کاپن
25.....	مثلث و اصالت خانوادگی
25.....	بحران آفرینی
25.....	مثلث و ورزش
25.....	خواسته اعضای مثلث از پول
25.....	مثلث و قدرت پذیرش انعطاف

مقدمه

همه می‌دانیم که در تمام دنیا مجلس موسسان قانون اساسی می‌نویسد و مجلس شورا قوانین عادی را تصویب کرده و دولتها نیز آئین‌نامه و دستورالعمل را تهیه می‌کنند. مجموعه قوانین در حوزه‌های مختلف بصورت کتب قطور چاپ شده و حتی کارکنان یک دستگاه دولتی نیز از مفاد قوانین مربوط به دستگاه اجرایی خود خبر ندارند مگر در چند مورد که مستقیماً به کارشان مربوط می‌شود.

کانون وکلا در تمام دنیا وجود دارد و فارغ‌التحصیلان حقوق در آنجا ثبت نام کرده و وارد وکالت و دفاع از حقوق قانونی مصوب می‌شوند.

حال قوانینی وجود دارند که در هیچ مجموعه قوانینی نوشته نشده و نیاز به هیچگونه تصویبی ندارد ولی همه آنها را مطلع هستند و اجرا می‌کنند. هدف این نوشتار بررسی همان قوانین است که شکل بین‌المللی دارند و بنا بر قدرت قانون در کشورها، این قوانین نانوشته قدرت اجرایی بیش و کم پیدا می‌کنند. اهمیت این مقررات طوری است که گاه بدون آنها نمیتوان انتظار داشت که به حقوق مصوب دست یافت. اکثراً این قوانین نانوشته در مواقعی به کار می‌آیند که قوانین نوشته و تصویب شده برای احقاق حق کافی نیستند یا هدف اینستکه آن قوانین دور زده شوند. منظور از قوانین نانوشته، آن چیزی است که قدرتی همانند یا بیشتر از قوانین نوشته شده دارد و هرچند که قوانین را برای همگان می‌نویسند ولی این قوانین نانوشته ابزاری می‌خواهد که در اختیار همه نیست و دارندگان آن ابزار قدرتی بیشتر از دیگران پیدا می‌کنند. توضیح اینکه قوانین

نانوشته بدون اینکه مطالعه شوند یا در کتابی بیابید در جامعه به همه آموزش داده می‌شود و همه آنها را تجربه و عمل می‌کنند و از آن کاملاً مطلع هستند.

زر - زور - تزویر - پول - پارتی

مردم قوانین نانوشته را می‌دانند و از قدیم تحت عناوین زر - زور - تزویر و امروزه تحت اسامی پول - پارتی، آنها را خلاصه می‌کنند. در هر نوع شیوه حکومتی این ابزار، قدرت و امنیت می‌آورد. در کشورهای بسیار پیشرفته هم پول زیاد یعنی بهترین وکلا و این برای شخص گریز از مقررات یا حداقلی مجازات می‌آورد و در سایر کشورها امنیت آهنین ایجاد می‌کند.

یک بررسی تاریخی در ایران، مواردی که این قوانین نانوشته چه کرده است را بطور مختصر می‌بینیم چه آنکه بسیاری از موارد پنهان مانده‌اند و در کتابها ثبت نشده‌اند. اصل قوانین زر، زور، تزویر، تبصره‌های کوچکی مانند زیبایی بانوان را هم دارد ولی بسیار کمتر از آن سه اصل تاثیر داشته‌اند.

نقش ریاضیات در قوانین نانوشته

آورده‌اند که مدیرعامل یکی از بزرگترین شرکتهای ایرانی آگهی استخدام مدیر امور مالی داده بود و خودش مصاحبه استخدام را انجام می‌داد. هرکس که وارد اتاق مصاحبه می‌شد از نظر مدرک و تجربه بررسی و تایید شده بود بنابراین آقای مدیرعامل فقط یک سؤال می‌کرد:

دو دو تا چند تا میشه:

همه به سرعت و راحتی می‌گفتند چهار تا و مصاحبه کننده می‌گفت بفرمائید بیرون. یکی از متقاضیان گفت پنج تا، آقای رئیس به او گفت برو روی آن

صندلی گوشه اتاق بشین. دیگری وارد شد که فردی میانسال و باتجربه بود و در پاسخ به سؤال آقای مدیرعامل گفت: فقط بگو باید چند تا بشه. ایشان البته استخدام شد.

در واقع در دنیای زورمندان قوانین ریاضی دیگری حاکم است. برای مردم عادی 2×2 می‌شود 4 ولی در ضوابط قدرتمندان هر عددی ضرب یا بعلاوه یا کسر یا تقسیم بر هر رقمی شود باید جواب موردنظر آنان بیرون بیاید.

هرچه برای من خوب است برای همه خوب است

این یک اصل در دنیای قدرتمندان است. اگر ساخت یک برج برای سازنده‌اش بسیار خوب است و منافع عالی دارد مردم باید درک کنند که این سازه برای آنان هم خوب است و البته هنوز به نفعش پی نبرده‌اند. سروصدای تخریب، مته‌ها، دستگاههای تراش، بولدوزرها، کامیون‌ها، بتن‌ریزی‌ها مهم نیست که چقدر سروصدا دارد و چه غذایی برای ساکنین محل ایجاد می‌کند مردم باید بدانند چیزی که برای آن ثروتمند خوب است به اجبار هم شده برای همه خوب است. این یکی از اصول و قوانین نانوشته است. شکایت کنید، دعوا کنید هیچ فایده ندارد و تازه نشانگر این است که به درک تیترا این مطلب نرسیده‌اید.

پول باعث رفع کدورت و نجات سر

ناصرالدین‌شاه قاجار به کسی که مدعی شجاعت و نظامی‌گری بود لقب حسام‌الدوله داد. ترکمن‌ها در بین تهران و مشهد، کاروانها را غارت کرده و مردم شیعه را می‌کشتند. قرار شد حسام‌الدوله با یک هزار نفر مسلح برود و ترکمنها را سرکوب کند. از شدت ناآگاهی نسبت به قوانین جنگی، تمام نفرات

کشته و اسیر شدند و لوازم جنگی به دست ترکمانان افتاد و حسام الدوله فراری شد. ناصرالدینشاه دستور داد اگر او را بیابند سر او را برایش بیاورند. حاجب الدوله و مستوفی الممالک واسطه شدند. قرار شد ده هزار تومان بدهد و در امان باشد. او نیز پرداخت کرد و بعدها به مناصب دیگر نیز رسید.

پول لقب می آورد

ناصرالدین شاه در مقابل وجوه دریافتی، لقب فلان الدوله و فلان السلطنه اعطاء می کرد. گاه پیش می آمد که یک لقب به دو نفر فروخته شده بود که در این گونه مواقع لقب را پس و پیش کرده از آن کم کرده و یا اضافه می کردند تا عین یکدیگر نباشد. عناوین نظامی نیز قابل فروش بود. آنقدر که لقب امیرتومان و سردار و باشی فروخته شده بود که سرباز در آن حد وجود نداشت بنابراین امیر تومان بدون سرباز یا حاجب بدون سرباز زیاد بود.

در هیچ قانونی نوشته نشده بود که درجات نظامی را با پول بخرند ولی همه از چگونگی دریافت این عناوین مطلع بودند و در صورت تمایل ظرف یکی دو روز به مدارج بالا می رسیدند بدون اینکه بدانند نظامی را با کدام ظ، ز، ذ، ض می نویسند.

جوانان و قوانین نانوشته

جوان از کودکی دریافته که ثروت یا مقام بالای حکومتی باعث رفاه و آسایش می شود. از طرف دیگر او جوان است و خانواده ای که این دو امتیاز را داشته باشند ندارد و شروع کردن از صفر برایش بسیار ناراحت کننده است و امیدی هم به آینده ندارد پس راهش اینست با خانواده هایی که هر دو یا یکی از این

امتیازات را دارند و صلت کند. هر روز در جستجوی فرصتی است که با یکی از این فامیل‌ها آشنایی پیدا کرده و جوانی را در آنها سراغ کرده و همه تلاش خود را برای دستیابی به او و از آن طریق، رسیدن به ثروت و مقام و رفاه به کار می‌برد. در کشورهای جهان اول، این شرایط بسیار کمتر است ولی در جهان سوم این بصورت یک قاعده جهت زودتر رسیدن به اهداف و خواسته‌های جوانان وجود دارد. ازدواج یک پسر یا دختر با افرادی از سن بالاتر بخصوص ازدواج دختران جوانان با مردانی ثروتمند که می‌توانند جای پدر آنها باشند بسیار دیده می‌شود. درواقع الگوی بد و غلط در جامعه رواج پیدا می‌کند و پول می‌شود ملاک همه تصمیم‌گیری‌ها.

افسانه‌ها

در جامعه‌ای که زر - زور - تزویر جایگاه پیدا می‌کند مردم فقط در افسانه‌ها دنبال عدالت، آزادی و برابری می‌گردند. در دنیای واقعی هیچگاه مردم عادی نمیتوانند به جایی برسند. در افسانه‌ها، آخر داستان با پیروزی خوبی بر بدی پایان می‌یابد. افراد بیچاره و بدبخت هم در پایان قصه به خوشبختی می‌رسند. اشخاص بد و ظالم و زورگو دچار عقوبت می‌شوند و حق به حقدار می‌رسد. افسانه و رویا حالت مسکن پیدا می‌کند. پری، جن، فرشته‌ها و انسانهای نیک به کمک فرد مظلوم می‌روند و او را به جایگاه شایسته می‌رسانند و این مطلب آنقدر در زندگی واقعی، بدور از دسترس می‌نماید که مردم را به تخیل و افسانه‌سازی می‌رساند.

جامعه طبقاتی

وجود طبقات اجتماعی در نزد بشر سابقه طولانی دارد. از بخش بندی مردم به والامقامان، روحانیان، نظامیان، کشاورزان، پیشه‌وران شروع شده هرکدام از این طبقات جامعه، جایگاه و اختیارات و محدودیتهایی داشته‌اند. مردم طبقات فرودست حق تحصیل نداشتند، نمیتوانستند به طبقات بالاتر برسند و فقط در بخش کاری خود می‌توانستند رشد کنند. در جامعه زر - زور - تزویر همین قانون قدیمی طبقه بندی مردم اجرا می‌شود بدون اینکه کسی به آن اذعان کند. افراد مقامهای عالی کشوری و ثروتمندان بر سایرین برتری همه جانبه دارند. کسی با آنها درگیر نمی‌شود زیرا بودجه و روابط کاری لازم را ندارد. اکثر مقامهای اداری عالی سعی می‌کنند به ثروت برسند زیرا پستهای حکومتی موقت است ولی ثروت همیشه در اختیار آنها است.

ترس از آینده

صاحبان زر به قیمت بریدن از دیگران به امکانات مالی گسترده می‌رسند. در چنین جامعه‌ای اگر حاکمان به فکر تامین حداقل‌های زندگی برای مردم نباشند همه از جوان تا پیر دچار نگرانی آینده می‌شوند. این ترس باعث حوادث مختلف می‌شود از خودکشی تا اعمال مجرمانه و وقتی فرد به پایان تحصیل و شروع کار می‌رسد و می‌بیند که با حقوق دریافتی نمیتواند ساده‌ترین نیازهای انسانی شامل غذا، مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش را تامین کند نگرانی و اضطرابش نسبت به حال و آینده بسیار بیشتر می‌شود. چنین جامعه‌ای نمیتواند از نظر اقتصادی و اجتماعی سالم و کارآمد باشد.

زندانی ملاکهای جامعه

وقتی در جامعه‌ای ملاکها به پول، قدرت، فریبکاری باشد افراد خواسته یا ناخواسته مطیع این ملاکها می‌شوند و چون دستیابی به این محکهای اجتماع باعث احساس قدرتمندی و مقبولیت عمومی می‌شود شخص سعی در بدست آوردن آنها می‌کند. جایی برای مسائل انسانی و کمک به ممنوع نیست. پولدارها هیچگاه یا شاید خیلی کم بفکر نیازمندان بوده‌اند اگر چنین نبود دنیای امروز بسیار بهتر از آنچه هست می‌بود. افراد در زندانی قرار می‌گیرند که این ملاکها برایشان درست کرده و کلید نجات هم موفقیت در بدست آوردن یکی از آنهاست.

انسانهای مرئی و نامرئی

افلاطون قصه‌ای آورده که شخصی انگشتی پیدا کرده و بدست می‌کند. حلقه کمی برای انگشتش بزرگ است و او در هنگامیکه بیکار است انگشت را می‌چرخاند و ناگهان متوجه می‌شود که دیگران او را نمی‌بینند و از یکدیگر درباره اینکه او به این سرعت کجا رفت سؤال می‌کنند. رابطه قانون با افرادی که از مثلث زر - زور - تزویر برخوردارند مانند چرخاندن انگشت است یعنی هرگاه گرفتاری پیش آمد فقط بچرخان و دیگر کسی ترا نمی‌بیند و می‌گریزی و هنگامیکه خواستی ظاهر می‌شوی. کسی را به تو دسترسی نیست ولی تو همه را می‌بینی و هرگاه خواستی دیگران هم ترا می‌بینند.

ضوابط در جامعه‌ای که مثلث بر همه چیز دست دارد

در هر جامعه‌ای که اخلاق حرف اول را بزند و قوانین بر آن اساس تصویب شوند مردم در امان هستند درواقع اول باید اخلاق باشد - دوم صفات ظاهری مثل مرتب بودن و علم و دانش، سوم ثروت ولی در شرایطی که پول و ثروت در اول قرار گیرد بی عدالتی و ظلم بر همه چیز حاکم خواهد شد. تلاش مثلث بر این است که ثروت مقدم بر همه چیز باشد.

مثلث و دانش

اعضای مثلث فقط پول را مقدم دانسته‌اند بنابراین اکثراً از علم بی‌بهره هستند و برای آن جایگاهی قائل نیستند. هنگامیکه هدف، پول و مقام باشد چه جایی برای دانش خواهد بود.

یا با من یا علیه من

شعار و فکر همیشگی افرادی که در مثلث زر - زور - تزویر قرار دارند اینست که یا با منی یا بر علیه من و رفتارشان با مردم بر همین اساس است. زیردستان باید مطیع محض باشند چون اگر با ایشان هستی پس دلیلی برای مخالفت یا عدم اطاعت نداری. این مطلب ادامه دارد یعنی این ثروتمند یا در گروه فلان ثروتمندتر است یا مخالف او در این صورت می‌بینیم که کارتها و جناح‌های اقتصادی و سیاسی بوجود می‌آیند.

عضویت مثلث زر - زور - تزویر

مردم عادی مثل شیشه هستند یعنی از ورای آنها میتوان دیگران را نیز دید چون مدعی کامل بودن و یگانه بودن نیستند ولی اعضای مثلث مذکور مثل آینه هستند یعنی فقط خودشان را می‌بینند و کسی دیگر وجود ندارد.

تشکیل مجامع دستوری مانند انجمن‌ها و موسسات غیرانتفاعی

هرگاه لازم باشد برای دفاع از منافعشان محفلی، انجمنی، حلقه، گروه، دسته‌ای بوجود می‌آورند و هرگاه آن نیاز رفع شد محو می‌گردند.

مفاوت از دیگران

در سال سوم خلافت عثمان مردم ایذج و کردها سر از اطاعت برتافتند. ابوموسی اشعری می‌خواست سپاهی برای سرکوب آنها فراهم آورد. خطبه‌ای ایراد کرد و آنان را به جهاد فراخواند. او در آن خطبه از فضیلت بسیار زیاد جهاد پیاده آنچنان داد سخن داد که عده‌ای سر شوق آمده بر آن شدند که پیاده به جهاد بروند. گروه دیگری ترجیح دادند صبر کنند ببینند ابوموسی چه می‌کند. روز حرکت رسید و باروبند ابوموسی که حاکم منطقه بود را چهل استر از قصرش خارج کردند و خود او نیز سواره عازم جهاد بود. مردم عنان او را گرفته و گفتند: یا ما را هم بر چنین مرکوبهایی سوار کن یا خود هم پیاده شو تا با هم برویم و تو نیز از فضیلت جهاد پیاده برخوردار شوی. ابوموسی گوش برای این حرفها نداشت و با تازیانه و سلاح، مردم را از پیرامون خود پراکند.

انقلابات و مثلث زر - زور - تزویر

همه انقلابها برای در هم شکستن این مثلث روی داده اعم از اینکه در آن باب موفق بوده‌اند یا فقط اعضای مثلث عوض شده باشند. مردم عدالت می‌خواهند. مساوات در حداقل‌ها و نبود فقیر، کارتن خواب، گرسنه، بیمار بی‌بضاعت، کودک بدون آموزش و پرورش، مسکن مورد خواست همه انقلاب‌ها است. اگر عدالت باشد زر - زور - تزویر اثر ندارد پس مهمترین نیرویی که میتواند مردم را در امان نگهدارد یک سیستم پاک قضایی است.

دانشگاهها

در آلمان قرن نوزدهم هرگاه یک استاد یا دانشجو متهم به افکار غیرمجاز می‌شد از دانشگاه اخراج می‌گردید و اگر متقاضی استادی بود اصولاً پذیرفته نمی‌شد. در مثلث زر-زور-تزویر دقیقاً همان قواعد حکومت استبدادی قرن نوزدهم اجرا می‌شود و اگر کسی هرچند عالم و باسواد و دلسوز مردم بخواهد خدشه‌ای به مثلث وارد کند از نظام آموزش عالی حذف می‌شود.

ترور

هرگاه کسی با مثلث زر-زور-تزویر در افتد یکی از روشهای حذف همیشگی او، ترور و قتل وی است. قتل امیرکبیر و قائم مقام نیز از همین نمونه‌ها است.

گروههای شرور

آل کاپون گانگستر معروف امریکایی ایتالیایی الاصل کارش باج گرفتن بود. او عده‌ای داشت که سراغ مردم می‌فرستاد تا باج بگیرند. اگر مغازه‌دار یا صاحب کالا یا حرفه‌ای پرداخت نمی‌کرد دچار انواع آزار می‌شد از کتک خوردن تا

شکسته شدن شیشه مغازه، ربوده شدن اعضای خانواده، به سرقت رفتن اتومبیل تا اینکه به این نتیجه برسد که باید پول را پرداخت یعنی با زور، زر را پرداخت می‌کرد.

گروههای رقیب

چیزی بنام گروه رقیب وجود ندارد. در حوزه اقتدار هر رئیس نباید هیچکس سر بجنباند. اگر چنین اتفاقی بیفتد حتماً یکی باید حذف شود. در امریکای دهه 40 میلادی در هر شهر فقط یک گروه می‌بایست وجود می‌داشت و دیگران یا تابع یا نابود می‌شوند.

مثلث و سخنرانی‌ها

اعضای مثلث حساس سخنرانی‌هایی هستند که ممکن است به جایگاه آنان صدمه بزند. این صدمه فقط از طریق افشاگری میتواند باشد بنابراین با جلوگیری از هرگونه سخنرانی که احتمال هرچند حداقل برای افشاگری داشته باشد برای خود یک حاشیه امن درست می‌کنند.

مثلث و روزنامه و رسانه‌های جمعی

مثلث در همه جای دنیا دارای روزنامه، رادیو، تلویزیون و رسانه‌های جدید است. این وسایل ارتباط جمعی از پشتوانه مالی و سیاسی قوی برخوردار هستند و کارشان در مرحله اول تبلیغ برای اعضای مثلث و سپس سعی در فحاشی و نابودی و بی‌اعتباری رسانه‌های مستقل است و البته اگر کسی پا توی کفش مثلث نکند تا حد نابودی او پیش نمی‌روند ولی از این عمل هم پرهیز ندارند.

مثلث و فسادهای مالی

وقتی وارد شدن به عضویت و شاگردی مثلث نیازمند علم و دانش و شرافت نباشد هرکس میتواند با ابراز اطاعت پذیرفته شود. چنین افرادی وقتی می بینند که تشکیل چنین مثلثی فقط برای منافع است پس آنها هم سعی می کنند در شرایط بهتری قرار گیرند تا جایگاه بالاتری احراز کنند و این موجب سوء استفاده ها در حداکثر ممکن می گردد. درحالی که اگر پادوی مثلث نبود نمی توانست در آن جایگاه قرار گیرد ولی هنگامیکه سوء استفاده لو رفت مثلث هم ابراز بی ارتباط بودن می کند.

تبعید

اگر کسی جرئت کند خلاف مثلث صحبت یا عمل کند و امکان حذف وی نباشد یکی از محترمانه ترین راه ها تبعید به نقاط دور و ایجاد شرایطی است که او نتواند حرف خود را به گوش دیگران برساند.

دولتهای ملی

دولت و حکومتی مردمی است که به فکر مردم و کشور باشد. چنین نظامی را میتوان ملی نامید. این حکومت همواره درگیر با مثلث خواهد بود. تمام تلاش مثلث صرف حذف این دولت خواهد شد.

مسدود کردن منابع در آمد مخالفین

قدرت عظیم مثلث باعث می شود اگر زندان و تبعید نتواند جلوی منتقد را بگیرد کاری کنند که منابع درآمد وی قطع شده و باعث فقر او گردند و در عوض

پیشنهاد نمایند چنانچه مطیع شود از کمکهای مالی بهره مند شود و گرنه نابود خواهد شد.

جنگ دائمی انسان آزاد و شرافتمند با بردگی

یک اصل اینستکه انسان آزاده و شریف همواره با بردگی مخالف است. امروزه همان مثلث زر-زور-تزویر وجود دارد ولی نوع بردگی فرق کرده بردگی یعنی بدون داشتن هرگونه حقوق، برای ارباب کار کنی. اگر غذایی مختصر و لباسی فقط در حد پوشش و جایی برای خواب می دهند از باب قائل شدن حقوق برای برده نیست بلکه اگر ندهند و کارگر بمیرد، کس دیگری را برای جانشین کردن او باید بیابند.

انحصار و کنترل قیمت

یکی از کارهای مثلث زر-زور-تزویر، ایجاد انحصار است. وقتی انحصار ایجاد شد کنترل قیمت هم صورت می گیرد و هر قیمتی بخواهند روی کالا می گذارند. حرکتی صد در صد به زیان مردم و به سود اعضای مثلث و هرچند که در دنیا قوانین ضد تراست یعنی علیه انحصارگری وجود دارد ولی راههای تازه ای برای اینکار پیدا می کنند. در جهان سوم چنین مقرراتی وجود ندارد اگر هم می داشت قدرت اجرایی برای اعمال آن نمی بود.

مالیات

اعضای مثلث همواره از پرداخت هرگونه مالیات پرهیز می کنند. این سوژه باعث شده در کشورهای پیشرفته مقررات سختی برای مالیات وجود دارد و هرگونه خلاف کاری در پرداخت مالیات سبب مجازاتهای سنگین می شود.

چماق پدرسالارانه

هر عضو مثلث در حوزه کاری خود، پدرسالار است. دیگران حق اظهارنظر ندارند و اگر مردم اعتراضی کنند چماق بالای سر آنها است. رابطه ارباب و رعیت اکنون به شکل چماق پدرسالار وجود دارد. همانطور که ارباب می دانست دهکده بدون رعیت کارگر ارزش ندارد ولی حاضر نبود حقوق منصفانه ای برای او در نظر بگیرد. این افراد همینطور هستند.

بستن مجامع مخالف

چنانچه انجمن، گروه، دسته، هیئت یا هر عنوان دیگری که به جمعی از مردم با یک بینش داده می شود حرف بزنند یا بخواهند اقدامی کنند مثلث شروع به کار می کند. اگر یک نفر مطرح باشد اتهام سوء استفاده مالی و اگر نتیجه ندارد مسائل جنسی عنوان می گردد. درباره یک گروه اتهام اعمال ضد مردمی و خلاف فرهنگ مطرح می گردد و از طریق وسایل موجود پخش می شود تا آن اجتماع حذف گردد.

مثلث و گروههای سرکوب

مثلث نیاز دارد در برخی اوقات، مراسمی را بر هم زند. این تصمیم در مقامات ارشد مثلث گرفته شده و به افراد زیردست ابلاغ می گردد. در پائین ترین رده، تیم هایی وجود دارند که حقوق بگیر برای ایجاد آشوب و درگیری هستند و آنها برابر دستورالعمل وارد و انجام وظیفه می نمایند.

دوالپا

دوالپا را به این صورت تعریف کرده‌اند که موجودی است به شکل آدم که ابراز ناتوانی در راه رفتن می‌کند و تقاضای قرار گرفتن روی دوش شخص دل رحم را می‌کند. هرگاه که شخصی فریب بخورد و دوالپا را روی دوشش بگذارد، دوالپا سریعاً پاهای خود را دور گردن آن انسان قلاب می‌کند و مجبورش می‌نماید هرچه می‌گوید عمل کند. مثلث هم همینطور است یعنی مانند دوالپا بر دوش مردم سوار می‌شوند و دیگر نمی‌خواهند پایین بیایند.

مثلث در مخالفت با هویت مردم

آنچه برای مثلث مهم نیست مردم و فرهنگ آنها است. مردم باید سوق داده شوند به سوی آنچه منافع مثلث را تامین می‌کند. فرهنگ مردم نقاط مختلف دنیا با صرفه‌جویی، مصرف معقول و رعایت عدالت و انصاف در امور است درحالی‌که اینها با سودجویی مثلث در تضاد است و حالا که پول و زور در دست مثلث است باید این فرهنگ تغییر کند.

مثلث و پول کثیف

درواقع هر پولی که از زدوبند و انحصارگری در بیاید کثیف است ولی بنابر مقررات، پولی که از قاچاق، مواد مخدر، سوء استفاده‌های مالی بدست آید پول کثیف به شمار می‌رود. در مثلث مهم اینست که پول باشد و منبع آن مهم نیست.

مثلث و هزینه در سیاست

مثلث برای اینکه مقررات به نفع او باشد حاضر است در سیاست سرمایه‌گذاری کند. هدف این است که قوانینی به تصویب برسد که دست اعضای مثلث را در سود بیشتر باز کند.

مثلث و قتل

هرکس جلوی منافع مثلث بایستد عنصر نامطلوب شناخته می‌شود و از هر راهی حتی مقتول شدن آن شخص باید از صحنه کنار رود. گاه تقصیر این حادثه را نیز به گردن مخالفانشان می‌اندازند تا چند جانبه سود کرده باشند.

مثلث و شرم

یکی از بهترین فضائل انسانی شرم است. از اولین صفات عضو مثلث اینستکه از چیزی شرم نداشته و بدست آوردن پول بهترین هدفش باشد و ارزش سرمایه را از هر نوع فضیلت انسانی برتر بداند.

تبلیغ در خدمت مثلث

مثلث برای انحصارات خود به هر روشی تبلیغ می‌کند ابزار تبلیغ و خبررسانی در خدمت مثلث است. گرانترین متخصصان را استخدام کرده و پرداختهای عالی انجام داده و هدف اصلی را نیز می‌گویند بقیه کار وظیفه آن گروه خواهد بود.

مثلث مسئول نیازهای کاذب

هدف اصلی مثلث بدست آوردن پول به هر شیوه است و در این راه از بوجود آوردن نیازهای کاذب هیچ پرهیز ندارد. استیو جابز از بزرگان صنعت کامپیوتر در آمریکا می‌گوید منتظر نباشید مشتری از شما چیزی بخواهد. یک نوآوری را مطرح کنید و کاری کنید مشتری فکر کند چقدر به آن نیاز داشته است.

مثلث بی وطن

برای ثروتمندان، به ثروت همه ایمان و وطن آنها است. هر لحظه حاضرند به هر جایی بروند که ثروتشان در امان بماند. شک نیست وقتی در کشوری ریشه گذارند به سادگی آن را رها نمی‌کنند و برای حفظ موقعیت و ثروت خود از هیچ کار روگردان نیستند.

مثلث سرسپرده خارجی

هرگاه اعضای مثلث متوجه شده‌اند که یک یا چند کشور خارجی بسیار ذی‌نفوذ هستند برای اینکه منافعشان صدمه نخورد یا حفظ شود و حتی افزایش یابد با آن قدرتها رابطه برقرار می‌کنند و حتی حاضر به سرسپردگی هستند.

مثلث و طبقات اجتماعی

بهترین حالت برای مثلث وقتی است که مردم فقیر باشند چون در آن صورت زودتر و با نرخ کمتری می‌توان آنها را خرید. طبقه متوسط می‌تواند سنگی در مقابل اعضای مثلث باشد بنابراین همه تلاش برای نابودی این طبقه از اجتماع دارند.

مثلث چند ملیتی

اعضای مثلث دارای حداقل یک گذرنامه بغیر از کشور محل تولد هستند. هرگاه که لازم شد جلالی وطن کرده و در سرزمینی دیگر بدنبال پیوستن به مثلث آنجا خواهند بود. هرگاه پول باشد گرفتن گذرنامه کشورهای صنعتی دشوار نیست و مثلث هیچگاه این مشکل را نداشته است.

مثلث عامل استعمار

استعمارگران که این روزها تبدیل شده‌اند به استعمارگران اقتصادی، نیاز به عوامل دارند. مثلث بهترین خدمات را ارائه می‌کند پول فاقد وطن است و هرگاه احساس خطر کند به سمت همان کشورهای استعمار کننده دنیا می‌رود.

مثلث و ادبیات و فرهنگ

هدف پول است و از علم و فرهنگ و ادبیات چنین چیزی در نمی‌آید. هر عضو مثلث بیگانه از علم و فرهنگ و ادب است و زبان را در حدی که کار چپاول را هموار و ساده کند نیاز دارد. برای او مهم نیست پدر و مادرش که از کدام نژاد و ریشه بوده‌اند و آن قوم چه سوابق و تمدنی داشته است.

مثلث و رسانه‌ها

مثلث از روزنامه‌ها و رسانه‌های آزاد می‌ترسد چون ممکن است فعالیت‌هایش را آشکار کرده و باعث برانگیخته شدن افکار عمومی شوند. در جهان صنعتی معمولاً کمیسیون و شورا‌هایی هست که جلوی تکتازی و انحصارطلبی این شرکتها و افراد را بگیرد ولی حتی در آنجا نیز، رسانه‌های گروهی هستند که

روشهای فریب مثلث را مطرح کرده و آن کمیسیون‌ها را مجبور به واکنش می‌کنند.

مثلث و کارهای خیره

هیچگاه مثلث به فکر صرف اندکی از پول خود برای ساخت بیمارستان، مدرسه، محل نگهداری کودکان بی‌سرپرست و امور مشابه نیست. اصولاً کاری که برای مستمندان و مستضعفان بشود ارزشی ندارد. میتوان هدایای گرانبها به مقامات داد و در عوض انتظاراتی داشت مگر افراد ضعیف و نیازمند چه کاری میتوانند بکنند.

مثلث و سانسور

مثلث از اینکه مردم در جریان اخبار صحیح و بی‌طرف در مورد منافع اعضا باشند مضطرب و نگران است بنابراین همواره حامی سانسور اخبار و تغییرات خبری است که هرچند اصل واقعه را تحریف کند باز هم حافظ منافع مثلث باشد.

افراد ظاهری

اعضای اصلی مثلث در ظاهر بسیار مقید قانون و خوشنام هستند. روش کارشان اینست که افرادی را از اقشار پایین انتخاب می‌کنند و اعمال نادرست را توسط آنان انجام می‌دهند. هرگاه قضایا آشکار شد آن شخص است که باید جوابگو باشد. شک نیست تلاش می‌کنند فرد ظاهری گیر نیفتد یا زود آزاد شود ولی اگر شرایط مناسب نبود آن شخص است که نابود می‌شود و مثلث شخص دیگری را جانشین او می‌کند.

مثلث و اخبار

هر خبری درباره تحولات اقتصادی کشور یا انتصاب و یا عزل کسی، برای مثلث با ارزش می‌تواند باشد. وارد کردن افراد در پستهای حساس به عضویت در مثلث از اولین بهره‌بردارهای مثلث است.

مثلث و سیل و زلزله و آتش فشان

بلایای طبیعی در هر کشوری صدمه زیاد به مردم زده و آنان را از هستی ساقط می‌کند. هیچگاه اعضای مثلث را برای کمک نمی‌بینید مگر اینکه در خرید و فروش مواد مورد نیاز مردم سودی باشد تاکنون کسی ندیده که شرکت‌های غول پیکر جهانی در موارد مصیبت عمومی قدمی برای کاهش آلام مردم بردارند.

مثلث و جنگ یا صلح

جنگ به نفع مثلث است چون با احتکار و گرانفروشی منافع بیشتری بدست می‌آورد. بخشی از کمبود کالا اعم از ضروری و غیرضروری توسط اعضای مثلث صورت می‌گیرد. واردات کالای موردنیاز مردم و فروش ظاهری و عمده که درنهایت به انبار و پنهان کردن کالا می‌رسد همه به منظور دریافت سودهای وحشتناک است. نیازمندان به این کالاها هم اگر پول نداشته باشند به این نتیجه می‌رسند که مشکل آنها است و قیمت همین است.

مثلث و عدالت اجتماعی

در کشورهایی مثل نروژ که بیشترین عدالت اجتماعی و اقتصادی را دارد مثلث نمیتواند بوجود آید یا قدرتمند باشد بنابراین مثلث در کشورهایی رشد می‌کند و

غولپیکر می‌شود که نابرابری اجتماعی و مالی باشد. نتیجه رشد مثلث، بیکاری، گرسنگی، کارتن خوابی و حتی اعتیاد است.

مثلث و خانواده

اعضای مثلث هیچ مخالفتی حتی از درون خانواده‌شان را نمی‌پذیرند. از افرادی مثل شاه عباس که فرزندانش را دستور کشتن داد تا گانگسترهایی که برادر، پدر، خواهر و داماد و دیگر وابستگی که به هر دلیل با رفتار آنان مخالفت داشتند را دستور قتل می‌دادند.

مثلث و رشوه

مثلث برای پیشبرد اهدافش از پرداخت و دریافت رشوه پرهیز ندارد. خریدن افراد برای انجام خدمت مشخص جزء برنامه عادی گروه است. گاه افراد پائین‌تر متوجه اقدامات غیرقانونی و شاید غیرمنتظره رئیس‌شان هستند ولی جرئت ابراز ندارند ولی این تاثیر را می‌گیرند که آنها هم در حوزه اختیاراتشان میتوانند عمل ناصواب داشته باشد. این فکر موجب گسترش فساد اداری می‌شود و نبود عدالت اجتماعی و کمبودهای مالی کارمندان سبب توسعه رشوه‌گیری می‌شود.

مثلث و دانشگاه

رابطه‌ای بین مثلث و مراکز علمی نیست و حتی اعضای مثلث از کارشکنی و مشکل آفرینی برای موسسات آموزشی پرهیز ندارند زیرا افزایش آگاهی‌های عمومی می‌تواند به سوء استفاده‌های آنان پایان دهد یا آنها مورد سؤال قرار گیرند.

بیماری مُسری مثلث

اعضای مثلث یک بیماری مشترک هم دارند و آن هم پول دوستی افراطی است. همچنانکه یک کودک بیمار میتواند یک مدرسه را به بیماری همگانی بکشد، پولدوستی هم هرجا که این افراد باشند عمومیت پیدا می‌کند.

مثلث و مردم

رابطه بین مثلث و مردم، رابطه غالب با مغلوب است. در طول تاریخ هر گروه غالب، خود را مالک تمام وجود و اموال مغلوبین دانسته است.

مثلث و اعتیاد

هر کاری که سود کلان داشته باشد میتواند مورد توجه مثلث قرار گیرد. مواد مخدر که در دنیا بخاطر سودش جلب علاقه برخی سرمایه‌گذاران را می‌نماید از این زمره است. بیچارگی و نابودی شخص و خانواده مردم اصلاً باعث ناراحتی افراد سودجو در این حوزه نیست .. از تولید تا توزیع تحت کنترل سلطه‌گران اقتصادی و سیاسی است که نمی‌توانند از عضویت مثلث خارج باشند.

مثلث و طلاق

فقر عامل اصلی بسیاری نابسامانی‌های خانوادگی است. آمار علل طلاق از ناتوانی مرد در تامین مخارج زندگی و حتی ناتوانی جنسی خبر می‌دهد که شک نیست وقتی ذهن مردی پر از درگیری و ناراحتی‌های مالی است نمیتواند وظایف زن و شوهری را متوجه باشد. میتوان به جرئت گفت وجود مثلث و طمع کاری بی‌نهایت آن سبب از هم پاشیدن خانواده‌ها است.

مثلث و عدالت

هرگاه با پول بشود افراد را خرید عدالت معنی پیدا نمی‌کند. ثروت بسیار زیاد مثلث همواره یک سپر ایمنی برایش ایجاد می‌کند.

رانت خواری

اعضای مثلث دنبال هرگونه رانت خواری هستند. اگر رانت را امتیاز ویژه‌ای که بخاطر مقام یا ثروت افراد در اختیار آنها قرار می‌گیرد بدانیم رانت از هر نوع که باشد مانند مجوزهای خاص یا خبرهای با ارزش اقتصادی همواره مورد علاقه مثلث است. سود بسیار زیادی از رانت عاید مثلث می‌گردد.

درآمد سالانه مثلث

درآمد غیرقانونی سالانه حداقل 28 میلیارد یورو برای مثلث در امورهای مانند مواد مخدر، تقلب مالیاتی، تنباکو و فرآورده‌هایش و حداکثر 110 میلیارد یورو برای کلیه اقدامات مثلث فقط در اروپای متحد یعنی جامعه اروپا بغیر از کشورهایی که عضو نیستند پیش‌بینی می‌شود. این ارقام توسط یوروپل یعنی پلیس کشورهای اروپایی اعلام شده است.

پول شویی

اعضای مثلث برای پاک کردن هرگونه اثر از فعالیتهای غیرقانونی خود نسبت به اقداماتی از قبیل باز کردن واحدهای فعال تجاری مبادرت می‌ورزند و پولها را تحت عنوان درآمد آن شعبه‌های صنفی کسب و کار به بانک واریز می‌کنند.

مثلث و جنگ

مثلث از جنگ سود زیاد می‌برد. هدف راه انداختن جنگ در هر نقطه جهان حتی سرزمین مادری است. فروش اسلحه، احتکار دارو، پنهان کردن مواد غذایی، گرانفروشی، هرچه که باعث سود بیشتر شود مورد عمل است.

مثلث و انسانیت

صفاتى مانند راستگویی، جوانمردی، انسانیت، دلسوزی برای هم‌نوع، نیکوکاری، هیچ معنی در فرهنگ اعضای مثلث ندارد. آنها هر عملی کنند از این صفات پرهیز دارند و منتفی است.

آل کاپن و پولشویی

آل کاپن گانگستر ایتالیایی الاصل امریکایی عواملی را داشت که به مغازه‌ها رجوع می‌کردند و خواهان باج هفتگی می‌شدند البته اگر کسی نمی‌پرداخت دچار تخریب مغازه می‌گردید بدون اینکه ردپایی باشد. آل کاپن این وجوه را که فقط نقد بود و برای پنهان کاری از دریافت هرگونه چک پرهیز می‌کردند به حساب بانکش واریز می‌نمود. روزی رئیس بانک از او می‌پرسد چرا فقط واریز می‌کنید و دریافتی ندارید ضمناً چرا همیشه پول نقد است. آل کاپن چند خشکشویی خرید و هر بار می‌گفت پولها مال خشکشویی است. وقتی اعمال واقعی‌اش آشکار شد کلمات پول و خشکشویی در کنار هم قرار گرفت و اصطلاح پولشویی را بوجود آورد.

مثلث و اصالت خانوادگی

تمام اصالت افراد عضو مثلث در پول است و ریشه دیگری ندارند. هرگاه پول و ثروت از دست بدهند آن ریشه و اصالت خیالی خانوادگی شان از بین می‌رود.

بحران آفرینی

مثلث برای درآمد بیشتر و بیشتر هرگونه شایعه یا حادثه سازی می‌کند. گسترش نجوای اینکه فلان کالا بزودی کم یا بسیار گران خواهد شد یا ورود کالای دیگر ممنوع خواهد گردید از جمله این اقدامات است. تفسیر اخبار بین‌المللی بگونه‌ای که سود برای آنان بیاورد نمونه این فعالیتها می‌باشد.

مثلث و ورزش

هرچند هرجا که پول باشد مثلث هم هست ولی یکی از خصوصیات اعضای مثلث رفتن سراغ مجموعه‌های ورزشی گرانقیمت و ورزش‌های پرهزینه است. آنان با این کار می‌خواهند قسمتی از ثروتمند بودن خود را نشان دهند و گرنه در هیچ ورزشی، آگاه به فنون نیستند.

خواسته اعضای مثلث از پول

تسلط بر مردم و نمایش قدرت به مردم هدف اصلی مثلث است. از ابزاری مثل اعزام افراد قلدر مآب و انجام رفتارهای تهاجمی نیز پرهیز ندارند.

مثلث و قدرت پذیرش انعطاف

هیچ ظرفیتی برای پذیرش انتقاد ندارند و چنانچه کسی بتواند خطاهایشان را مطرح کند آن را به حساب دشمنان یا تقصیر دیگران بودن می‌گذارند. خودشان

به ریشه مشکل آگاهند ولی با پررویی و پیدا کردن کسی که مقصر واقعی
قلمداد کنند از جوابگویی می‌پرهیزند.